



۶۶

سال نوزدهم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

صص: ۵۱-۳۳

شابا چاپی: ۹۶۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

شناسایی نقش والدین در سازگاری دختران جوان با طلاق

زهره صالح بیگی^۱ | ابوالفضل حاتمی ورزنده^۲ | کیومرث فرحبخش^۳

چکیده

محیط خانواده قبل و بعد از طلاق والدین به عنوان عامل مهمی در سازگاری فرزندان در نظر گرفته شده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش والدین در سازگاری فرزندان با طلاق انجام شد. این پژوهش کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون (تماتیک) به انجام رسید. نمونه پژوهش از بین فرزندان طلاق دختر ساکن تهران در سال ۱۴۰۱ که بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند و حداقل ۵ سال از طلاق والدینشان گذشته بود. مشارکت کنندگان بر مبنای منطق نمونه گیری هدفمند از بین مراجعان واجد شرایط انتخاب شدند. فرایند نمونه گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت دوازده مشارکت کننده از طریق پرسشنامه سازگاری بل فرم بزرگسالان انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها از طریق روش تحلیل مضمون براون و کلارک منجر به شناسایی سه مضمون اصلی و شانزده مضمون فرعی گردید. مضامین اصلی شامل «ایفای نقش کارآمد والدینی بعد از طلاق»، «تغییر نگرش والدین نسبت به طلاق» و «تدارک محیط بدون تنش بعد از طلاق» است. براین اساس نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به والدین دغدغه مند نسبت به نقش خود در جهت سازگاری دختران جوانشان با طلاق آگاهی و بینش برساند و راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: سازگاری دختران، طلاق، فرزندان طلاق، تحلیل مضمون.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
z.salehbeigi@gmail.com

۲. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

۳. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

استاد: صالح بیگی، زهره؛ حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ فرحبخش، کیومرث. شناسایی نقش والدین در سازگاری دختران جوان با طلاق؛

DOR: 20.1001.1.26454955.2024.19.1.7.0 (۱)۶۶، ۳۳-۵۱

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده‌گان:



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده یکی از مهم ترین کانون‌های اجتماعی است و در بهداشت جسمی و روانی فرزندان اثرگذار است (حسینی یزدی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ در فرهنگ ایرانی نیز از خانواده به عنوان بستری برای رشد و پرورش فرزندان و یادگیری و انتقال فرهنگ نام برده‌اند (عزیزی، ۱۴۰۰) و طلاق والدین یکی از عواملی است که می‌تواند به کانون خانواده آسیب بزند (پارکر^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). به اعتقاد الیسون^۲ و همکاران (۲۰۱۱) افزایش روزافزون طلاق آن را به یکی از مهم ترین معضلات اجتماعی تبدیل کرد. همچنین تحقیقات نشان از افزایش آمار خانواده‌های تک والدی داده است (کارلا و پتروگیانیس^۳، ۲۰۲۰). از آنجایی که طلاق با یک سوگ و فقدان مبهم همراه است (آماروس^۴ و همکاران، ۲۰۱۷)، فرزندان طلاق ممکن است درد روانی نامشخصی را تا پایان عمر خود تجربه کنند (سوماری^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). احساس خجالت از تجربه طلاق والدین، مشکل در تمرکز، ازدست دادن احترام نسبت به والدین و سرزنش آن‌ها از دیگر تأثیرات ناشی از طلاق والدین است (ویبسونو و ناپیتوپولو^۶، ۲۰۲۲). طلاق والدین موجب افزایش پریشانی روانی، افسردگی و مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان است و آن را به یک چالش مبرمی برای بهداشت عمومی در جامعه تبدیل کرده است (تولیوس^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). آسپرگ^۸ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیرات بلندمدت طلاق بر فرزندان پرداختند، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که استرس ناشی از ناامنی عاطفی با افزایش خطر مشکلات سازگاری در نوجوانی، مشکلات تحصیلی و خلق افسرده ارتباط معناداری داشت. در این میان سازگاری با طلاق والدین برای کاهش آسیب به فرد و جامعه و رشد شخصی و اجتماعی فرزندان از اهمیت زیادی برخوردار است.

لازاروس و فولکمن^۹ (۱۹۸۴) سازگاری را تلاش‌هایی در جهت تغییر پیوسته شناخت و رفتار دانستند تا به این ترتیب برخی نیازهای خاص درونی و بیرونی را که مورد نیاز یا فراتر از منابع یک

1. Parker, G.
2. Ellison, C. G.
3. Karela, C. & Petrogiannis, K.
4. Amorós, M. O.
5. Sumari, M., R.
6. Wibisono, N. B., & Napitupulu, S. S.
7. Tullius, M. J.
8. Auersperg, F.
9. Lazarus, R. S., & Folkman, S.

شخص ارزیابی می‌شوند، مدیریت کنند. همچنین ویتن و لوید^۱ (۲۰۰۳) اعتقاد داشتند که تلاش‌های مقابله‌ای افراد می‌تواند به عنوان سازگاری یا ناسازگاری (مانند خودسرزنشگری یا عدم تلاش بیشتر در حل مسائل) در نظر گرفته شود (دوپلی و رنزرگک^۲، ۲۰۱۵).

از آنجا که تأثیرات ناشی از طلاق موجب بسیاری از اختلالات رفتاری، جسمی و روانی را در فرزندان طلاق است و در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها تأثیرات نامطلوبی گذاشته است (زمانی زارچی و همکاران، ۱۳۹۷) و می‌تواند آن‌ها را با نیازهای ویژه و مشکلات سازگاری مواجه کند و در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و عاطفی قرار دهد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰)، توجه به عوامل اثرگذار در سازگاری با طلاق والدین از اهمیت بسیاری برخوردار است. معیارهای متعددی همچون عوامل فردی و شخصیتی (سن فرزندان در هنگام وقوع طلاق، جنسیت، رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی) و عوامل خانوادگی (کیفیت حضور، همکاری و مشارکت والدین بعد از طلاق) در سازگاری با طلاق والدین اثرگذار است (رجان^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). در این میان عوامل خانوادگی از جمله مسائلی است که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در سازگاری فرزندان با طلاق والدینشان بگذارد (استین باچ و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین اثرات ناشی از طلاق بر فرزندان، کیفیت رابطه آن‌ها با والدینشان است (نیتی، ۱۳۹۵). عملکرد خانواده، چگونگی و میزان تعارضات والدین و کیفیت رابطه والد - فرزندی در میزان و نحوه سازگاری فرزندان تأثیر بسیاری دارد (هانسون^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). تعارضات والدین قبل و بعد از طلاق نقش کلیدی و مهمی را در سازگاری فرزندان ایفا کرده است (اوهارا^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش لامب^۷ (۲۰۰۴) نشان داد که حضور و حمایت مالی، عاطفی و اجتماعی والدین از فرزندان در کیفیت و تسریع فرایند سازگاری آن‌ها نقش بسیاری داشت. همچنین زمانی که والد حضانتی از وضعیت سلامت روان مطلوبی برخوردار و مجهز به مهارت‌های فرزندپروری است، شرایط مطلوب‌تری برای سازگاری فرزندان فراهم شد

1. Weiten, W., & Lloyd, M.
2. Du Plooy, K., & Van Rensburg, E.
3. Rejaän, Z.
4. Steinbach, A.
5. Hanson, K. L.
6. O'Hara, K. L.
7. Lamb, M. E.

(ماکوبی^۱ و همکاران، ۲۰۱۴) و در پژوهشی آماتو و باث^۲ (۱۹۹۶) نشان دادند کیفیت رابطه والدین با یکدیگر قبل و بعد از طلاق نقش معناداری در سازگاری فرزندان داشت. به اعتقاد تریلور^۳ (۲۰۱۸) طلاق با تعارض‌های بالا می‌تواند آشفتگی هیجانی بلندمدتی را برای زوجین و فرزندان ایجاد کند؛ همچنین لالتاس و خاسین^۴ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تجربه معلمان از کودکان و نوجوانان طلاق با تعارض بالا، نشان دادند فرزندان طلاق که والدینشان بعد از جدایی تعارضات و مشکلات زیادی داشتند از نظر تحصیلی و رفتاری با مشکلات بیشتری مواجه شدند؛ در نتیجه تجربه آشفتگی هیجانی در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی می‌تواند در فرایند سازگاری فرزندان اثرات نامطلوبی داشته باشد. همچنین به اعتقاد سارازین و کایر^۵ (۲۰۰۷) در حدود یک‌چهارم زوجین، تعارضات والدین بعد از طلاق نه تنها ادامه داشت؛ بلکه تشدید نیز شد که این مسئله موجب بروز آسیب‌های بسیاری بر فرزندان است (سورک^۶، ۲۰۱۹). تعارضات والدین به‌عنوان عامل استرس‌زا در سازگاری فرزندان اثرگذار است (رینولدز و هولستون^۷، ۲۰۱۴) و می‌تواند آن‌ها را با مشکلات متعدد اضطراب، افسردگی، عزت‌نفس پایین و مشکلات رفتاری و اجتماعی مواجه کند (ون دی جک^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). به اعتقاد الام^۹ و همکاران (۲۰۱۹) تعارضات والدین در زمینه فرزندپروری قبل و بعد از طلاق می‌تواند آسیب‌هایی را به فرزندان وارد کند. همچنین سازگاری با طلاق والدین در افرادی که زندگی پرتنش و چالش برانگیزی را پشت سر گذاشتند، سریع‌تر رخ داد (آماتو و آنتونی^{۱۰}، ۲۰۱۴) و ازدواج مجدد و شراکت مجدد والدین با فرد دیگر می‌تواند در فرایند و مسیر سازگاری فرزندان اثر بگذارد و در حقیقت شرایط را چالش برانگیز و پیچیده کند (ریلی و سویینی^{۱۱}، ۲۰۲۰).

1. Maccoby, E. E.
2. Amato, P. R., & Booth, A.
3. Treloar, C.
4. Laltas, S., & Khasin, M.
5. Sarrazin, J., & Cyr, F.
6. Sorek, Y.
7. Reynolds, J., & Houlston, C.
8. Van Dijk, R.
9. Elam, K. K.
10. Amato, P. R., & Anthony, C. J.
11. Raley, R. K., & Sweeney, M. M.

کووا^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی فرایند طلاق و مسیرهای سازگاری فرزندان با طلاق والدینی با تمرکز بر تعارضات والدین پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که تعارضات والدین قبل و بعد از طلاق تأثیرات نامطلوبی بر سازگاری فرزندان داشت. این پژوهش همچنین به عواملی چون رشد شناختی و عاطفی، سبک ارتباط فرزندان با والدین، سن، جنس و میزان و کیفیت حمایت پدر و مادر بزرگ در سازگاری با طلاق والدینی اشاره کرد. آماتو^۲ (۲۰۰۰) نشان داد والدینی که بعد از طلاق رابطه مثبت والدینی را حفظ کردند، فرزندانشان راحت‌تر و سریع‌تر با شرایط جدید خود سازگار شدند (تولوس و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین پژوهش دان لوپ^۳ (۲۰۲۲) در زمینه سازگاری جوانان با طلاق والدینشان، نشان داد که سطوح درک شده از شادکامی خانواده، درجه تعارض خانوادگی و کیفیت رابطه والدین و فرزندان در سازگاری آنها با طلاق والدینشان اثرگذار است. مطالعه کمی افیفی^۴ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد کیفیت ارتباط جوانان و والدینشان رابطه معناداری با توانایی آنها برای سازگاری با طلاق والدین داشت (سوماری و همکاران، ۲۰۲۰). دوپلی و رنزرگ^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی و مصاحبه با ۱۵ بزرگسال، به بررسی تجربه افراد از سازگاری با طلاق والدین در نوجوانی و کودکی پرداختند که یافته‌های این پژوهش نشان داد که برقراری ارتباط مؤثر یکی از ارزشمندترین راهبردهای مقابله‌ای است (هررو^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین سوماری و همکاران (۲۰۲۰) در مالزی با بررسی سازگاری با طلاق والدینی به پنج مقوله بخشش والدین، پذیرش طلاق والدین، حفظ ارتباط با هر دو والد، حمایت عاطفی از سمت دیگران، رهاکردن و حرکت به جلو در زندگی اشاره کردند.

غالب پژوهش‌ها در زمینه طلاق والدین به بررسی تأثیرات طلاق بر فرزندان پرداخته است و کمتر به سازگاری فرزندان به ویژه دختران با طلاق والدین توجه شده است. همچنین بیشتر پژوهش‌های انجام شده در کشور ما در ارتباط با مسئله طلاق در زمینه کودکان و نوجوانان انجام گرفته است و در ارتباط با فرزندان جوان پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر

1. Cao, H.
2. Amato, P. R.
3. Dunlop, R.
4. Afifi, T. D.
5. Herrero, M.

با در نظر گرفتن اهمیت و نقش والدین در سازگاری فرزندان با طلاق پژوهش حاضر به شناسایی نقش والدین در سازگاری دختران جوان با طلاق پرداخت. از آن جایی که والدین طلاق گرفته با چالش‌هایی در خصوص سازگاری دختران جوان با طلاقشان مواجه می‌شوند، حائز اهمیت است که به شناسایی نقش آن‌ها در سازگاری پرداخت تا والدین با بینش و آگاهی بیشتری وارد فرایند طلاق شوند و بتوانند در زمینه سازگاری فرزندانشان با طلاق و کاهش آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن کارآمد عمل کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی تحلیل مضمون^۱ انجام شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش چارچوب‌های موجود در داده‌های کیفی است. این روش به پژوهشگر امکان داد به جستجوی مضامین آشکار و پنهان در دیدگاه و تجارب افراد بپردازد و سپس به تفسیر آنها اقدام کند و جوهره اساسی چیرستی و چرایی یک پدیده را روشن سازد (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). روش تحلیل مضمونی مستلزم گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه‌ای است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷)؛ به همین منظور در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش از بین فرزندان طلاق دختر ساکن شهر تهران واجد شرایط بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بود از اینکه دختران ساکن تهران که بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند، حداقل ۵ سال از طلاق والدین آن‌ها گذشته بود، به اذعان خودشان با طلاق والدین سازگار شده بودند و در پرسشنامه سازگاری بل^۳ فرم بزرگسالان (۱۹۶۱) نمره سازگاری متوسط و خوب را کسب کرده بودند. فرایند جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختارمند توسط پژوهشگر با هماهنگی قبلی با مشارکت‌کننده صورت گرفت. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به داده‌های تکراری ادامه یافت. اشباع یافته‌ها در دهمین مصاحبه نمایان شد و جهت تایید و اطمینان بیشتر دو مصاحبه دیگر انجام گرفت. در نهایت ۱۲

1. Thematic Analysis
2. Braun, V. & Clarke, V
3. Bell Adjustment Inventory (BAI)

مشارکت‌کننده نمونه پژوهش را شکل دادند. به منظور حفظ رازداری به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد تا اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی بماند همچنین نام آن‌ها در جریان مصاحبه مورد پرسش قرار نگرفت.

سوالات مصاحبه براساس تجارب دختران طلاق از سازگاری با طلاق والدینشان طراحی شد که پس از بررسی توسط اساتید راهنما و مشاور و یک ارزیابی اولیه به منظور قابل فهم بودن، در یک مصاحبه مقدماتی مورد استفاده قرار گرفت. عناوین و موضوعاتی که بحث شد در بردارنده‌ی سوالاتی در مورد نقش والدین در سازگاری دختران با طلاق آن‌ها بود. ابعادی نظیر بررسی تعارضات والدین قبل و بعد از طلاق، اقدامات آن‌ها، فرزندپروری و توجه به فرزندان قبل و بعد از طلاق و... محتوای سوالات پژوهش را تشکیل دادند. مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با چند سؤال باز و کلی مثل «والدیتان برای سازگاری شما با طلاقشان چه اقداماتی انجام داده اند؟»، «وضعیت تعارضات آن‌ها قبل و بعد از طلاق به چه صورت بود و چه اثری در سازگاری شما داشت؟»، «نگرش آن‌ها نسبت به طلاق و پذیرش آن به چه صورت بود؟» شروع شد و سؤالات جزئی و پیگیرانه بر اساس روند مصاحبه و پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان پرسیده شد.

چنانچه گفته شد برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل مضمون برگرفته از براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده و طی پنج مرحله انجام شد. مراحل عبارتند از:

۱. آشنایی با داده‌ها: هر مصاحبه بعد از پیاده سازی چندین بار با دقت مطالعه شد تا محقق به طور کامل در فضای کلام مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و روح حاکم بر متن را درک نمود، سپس واژگان، جملات و عبارات مهم را علامت گذاری نمود.
۲. ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله محقق ویژگی‌های مهم داده‌ها را شناسایی و در قالب کدهای اولیه ثبت کرد.
۳. جست و جوی مضامین: این مرحله بعد از کدگذاری اولیه داده‌ها انجام شد. کدها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و کدهایی که مفاهیم نزدیک به هم داشتند با هم ترکیب شدند و تشکیل یک مضمون فرعی را دادند.

۴. مرور و بازبینی مضامین: در این مرحله مضامین به دست آمده مجدداً مورد بررسی قرار گرفتند و اصلاح شدند و مضامینی که داده‌های کافی برای آن وجود نداشت حذف شدند.

۵. نام‌گذاری مضامین: در این مرحله مضامین فرعی به دست آمده مورد بررسی قرار گرفتند و برای هر چند مضمونی که همپوشانی داشتند، یک مضمون اصلی در نظر گرفته شد و سپس طبقه‌بندی و نام‌گذاری شدند و براین اساس، مضامین فرعی و اصلی به دست آمد.

برای اطمینان از اعتبار داده‌ها، معیارهای لیکلن و گویا (۱۹۸۵) به کار گرفته شد. به منظور تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها و تاییدپذیری هر مصاحبه دوباره به مشارکت‌کننده در پژوهش بازگشت داده شده و صحت و سقم داده‌ها سنجیده شد و در صورت مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار گرفت. جهت تضمین تصدیق، سعی بر آن شد تا پژوهشگر پیش‌فرض‌های خود را در فرایند مصاحبه و استخراج مضامین دخالت ندهد. جهت تضمین اطمینان‌پذیری و کفایت یافته‌ها، روش بازنگری ناظران، در قالب استفاده از نظرات تکمیلی اساتید راهنما و مشاور مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (۱)، بر اساس اصل اشباع نظری ۱۲ مشارکت‌کننده با دامنه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال و میانگین سنی ۲۵ سال نمونه پژوهش را تشکیل دادند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

ردیف	سن	وضعیت تأهل	سن مادر	سن پدر	تعداد فرزندان	سال‌های گذشت از طلاق والدین
۱	۲۴	مجرد	۵۶	۵۸	۲	۱۰ سال
۲	۲۳	متأهل	۴۸	۵۶	تک‌فرزند	۱۴ سال
۳	۲۳	مجرد	۵۶	۵۸	تک‌فرزند	۵ سال
۴	۲۳	متأهل	۳۸	۵۰	۲	۵ سال

1. Lincoln & Guba

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

ردیف	سن	وضعیت تأهل	سن مادر	سن پدر	تعداد فرزندان	سال‌های گذشت از طلاق والدین
۵	۲۵	مجرد	۵۴	۵۸	۲	۵ سال
۶	۲۱	مجرد	۴۵	۵۵	تک‌فرزند	۷ سال
۷	۳۰	متأهل	۴۹	۵۳	۴	۵ سال
۸	۲۳	مجرد	۵۵	۵۹	تک‌فرزند	۱۴ سال
۹	۲۵	مجرد	۴۸	۵۲	۳	۵ سال
۱۰	۳۰	مجرد	۵۰	۶۱	۳	۶ سال
۱۱	۲۶	مجرد	۵۰	۶۵	۴	۱۲ سال
۱۲	۲۷	مجرد	۴۵	۵۰	تک‌فرزند	۸ سال

در جدول (۲) به این سوال پاسخ داده شد که نقش والدین در سازگاری دختران جوانشان با طلاق به چه صورت است.

مضامین اصلی	مضامین فرعی
	همکاری والدین برای سازگاری فرزند
	ارتباط والدین با یکدیگر بعد از طلاق برای رشد فرزند
	عدم بدگویی والدین از یکدیگر و مرور خاطرات تلخ
ایفای نقش کارآمد والدینی بعد از طلاق	قدردانی از فرزند برای تحمل شرایط
	نشان دادن اهمیت و توجه
	عدم طرد
	تلاش برای حال خوب فرزند
	مدارا و پذیرش در برابر کج‌خلقی‌های فرزند
	عدم ازدواج مجدد والدین
تغییر نگرش والدین نسبت به طلاق	برخورد معقول والدین با طلاق
	عدم وجود نگرش منفی نسبت به طلاق خود
	پذیرش طلاق توسط والدین
تدارک محیط بدون تنش بعد از طلاق	تجربه تنش‌ها و تعارضات والدینی قبل از طلاق
	آگاهی از احتمال قریب‌الوقوع طلاق والدین
	کاهش تعارضات والدین با طلاق
	عدم ارتباط با والد غیر صلاحیت دار

اولین مضمون اصلی به دست آمده به ایفای نقش کارآمد والدینی بعد از طلاق اشاره کرده است. این مضمون نشان داد که کیفیت والدگری، نحوه تعامل والدین با یکدیگر بعد از طلاق، ارتباط و تعاملاتشان با فرزندان و اهمیت قائل شدن برای فرزندان در شرایط جدایی و بعد از آن توانست سازگاری آن‌ها را با طلاق والدین تسهیل کند. در این بخش نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت کنندگان در ارتباط با این مضمون ارائه شد:

«هیچ وقت نشد که فکر کنم از این جا مونده و از اون جا رونده ام از سمت مامان و بابام. طوری با من و خواهر و برادرم برخورد می‌کردن که انگار اتفاقی نیوفتاده و ما ما باید مسیر زندگی و درسیمون رو طی کنیم و واقعا هر دوشون دغدغه درس و شغل و زندگی ماها رو داشتن و برای خواسته‌ها و نیازها مون وقت می‌گذاشتن».

«مادرم سعی می‌کرد من رو در کلاس‌هایی که دوست دارم ثبت‌نام کنه تا سرگرم باشم و کمتر اذیت بشم. پدر و مادرم در زمینه سازگاری به من و خواهرم خیلی کمک کردن و از ما به خاطر تحمل شرایط قدردانی می‌کردن و وقتی که می‌رفتیم خونه‌ی هر کدوم سعی می‌کردن ما رو خوشحال کنن و با دلمون راه بیان. مثلاً وقتی می‌رفتم خونه مامانم، بهم می‌گفت تو خونه‌ی بابات کار می‌کنی و ظرف می‌شوری، وقتی می‌ای خونه‌ی من خستگی در کن. من با مامانم زندگی می‌کردم و خیلی بهش پرخاش می‌کردم به خاطر طلاق و اتفاقی که افتاده و همش اونومقصر می‌دونستم ولی مامانم با صبر و تحمل با من برخورد می‌کرد و حرفام رو می‌شنید و چیزی نمی‌گفت. هیچ وقت این اتفاق برام پیش نیومد که مادر و پدرم منو نخوان و همیشه از این استقبال می‌کردن که من برم خونشون. ولی اینو می‌دونم که طردشدن از سمت پدر و مادر برای بچه‌های طلاق مثل تروما می‌مونه».

«مامان و بابام با وجود این که دعوای شدید داشتند ولی وقتی که وارد فرایند طلاق و دادگاه شدن بیشتر توجه شون به من و خواهرم بود. حتی وقتی که واقعا حوصله شون رو نداشتیم و به خاطر طلاقشون رفتارهای خوبی باهاشون نداشتیم؛ بازم با ما موند خوب برخورد می‌کردن. بعد از طلاقشون می‌تونم به جرات بگم تمام تمرکزشون روی حال و روان ما بود. شاید احساس گناه می‌کردن نسبت به ما یا چیز دیگه ای بود ولی خیلی تو مسیر سازگاری همراهمون بودن».

«والدینم بعد از طلاق برای تربیت و رشد من خیلی با هم در ارتباط بودند؛ یادمه اون موقع‌ها جلسات هفتگی با هم داشتن و خب این خیلی حس خوبی برام داشت که بدونم هردوتاشون برای زندگی و آینده‌ی من دغدغه دارن و منو به حال خودم رها نکردن».

مضمون اصلی دوم به دست آمده به نقش تغییر نگرش والدین نسبت به طلاق خودشان در سازگاری فرزندان اشاره کرد. این مضمون نشان‌دهنده‌ی این مسئله است که هر چه قدر والدین با طلاق خود سریع‌تر و راحت‌تر کنار آمدند و توانستند طلاق خود را بپذیرند، توانستند در کمک به سازگارشون فرزندان کارآمدتر عمل نمایند. نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت‌کنندگان در ارتباط با این مضمون ارائه شده است:

«مامان و بابام به من می‌گفتن که فکر نکنم طلاق اون‌ها برام یه مصیبتیه، خیلی از آدم‌ها ممکنه یه جایی تصمیم بگیرن از هم جدا بشن و این هیچ ربطی به بچه‌ها شون نداره. واقعا این حرفا خیلی برام اثرگذار بود توی این مسئله که نخوام همیشه هویت‌م و زندگی‌م رو از همه مخفی کنم یا باهاش چالش داشته باشم».

«به نظر من فرهنگ برخورد والدین با طلاق خیلی در سازگاری و آرامش فرزندان مؤثره مثلاً این که به فرزندشون بگن که طلاق والدینت رو مخفی کن و نذار کسی بفهمه یا خودشون بپذیرن این ماجرا رو و این رو به بچه‌هاشون هم بفهمن که برای من مورد دوم بود. والدینم به صورت ناراحت‌کننده و اذیت‌کننده با طلاقشون برخورد نکردن که برای ما هم دردسری ایجاد بشه و فکر کنیم که دیگه دنیا و زندگی تموم شدس و حالا که اون‌ها طلاق گرفتن نتونیم زندگی کنیم».

«مامانم خیلی سریع برای خودش شغلی پیدا کرد و مستقل شد، این طور نبود که بشینه یه گوشه و همش غصه بخوره و به همه چی غر بزنه. حتی برای این که منم بتونم برای خودم کاری پیدا کنم کلی بهم کمک کرد. همیشه بهم می‌گفت برای هر دختری خوبه که بتونه استقلال مالی داشته باشه».

«والدینم برخورد بدی با طلاقشون نداشتن، اتفاقاً خیلی راحت پذیرفته بودنش و داشتن مسیر زندگی و شغلی خودشون رو می‌رفتن. یعنی این طور نبود که نسبت به طلاقشون حس بدی داشته باشن که باعث بشه گوشه نشین بشن یا خودشون رو از در و همسایه و فامیل مخفی کنن و خب این انگار برای من یه جورایی الگو شده بود که ازشون یاد بگیرم که منم این مسئله رو قبول کنم».

«به نظرم نحوه برخورد والدین با طلاق و نگاهشون به طلاق خیلی اثرگذاره روی سازگاری فرزندان چون وقتی اونا طوری برخورد کنن که انگار دنیا به آخر رسیده و دیگه نمیشه زندگی کرد و دیگه نمیشه رشد کرد اون وقت فرزندان هم فکر می‌کنن طلاق والدینشون یعنی نیستی و نابودی اونا».

مضمون اصلی سوم به دست آمده به تدارک محیط بدون تنش بعد از طلاق جهت سازگاری با طلاق والدین اشاره کرد و نشان‌دهنده این مسئله بود که فرزندان تعارضات والدین را آزاردهنده گزارش کردند و طلاق به عنوان عاملی که موجب کاهش درگیری‌ها و تعارضات والدین است به حساب آمد. همچنین احتمال وقوع طلاق به دلیل شدت درگیری‌ها در خانواده در سازگاری فرزندان موثر گزارش شد. نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت‌کنندگان در ارتباط با این مضمون ارائه شده است:

«چند سال بود که مامان و بابام با هم دعوا می‌کردن؛ از خیلی قبل با هم مشکل داشتن و ما رو هم قاتی می‌کردن. رها کردن چیزهایی که آدمو اذیت می‌کنه، می‌تونه خیلی کمک‌کننده باشه و من با طلاقشون موافق بودم که دیگه کشمکش نداشته باشیم. ما به پیش‌زمینه‌ای برای طلاق از قبل داشتیم و جنگ و جدل تو خونه مون زیاد بود».

«تحمل دعواها و درگیری‌هاشون برام واقعا سخت بود. تو خونه‌ی ما همش کشمکش و درگیری بود و من همش خدا خدا می‌کردم که بالاخره این جنجالا تموم بشه و ما راحت بشیم. نه من و نه بقیه خواهر برادرام آسایش نداشتیم و منتظر بودیم که زودتر طلاق بگیرند. آخه وقتی نمی‌تونن با هم باشن خب تموم شدن این ماجرا واقعا بچه‌ها رو هم راحت می‌کنه».

«بعد از طلاقشون واقعا اوضاع تغییر کرد، انگار تازه تونستیم بفهمیم آرامش یعنی چی، خونه یعنی چی. اگر چه طلاق مامان بابام برام سخت بود و ترجیح می‌دادم بتونن باهم زندگی کنن ولی وقتی نمی‌توستن و همو نمی‌خواستن وقتی جدا شدن خیلی آرامش بیشتری رو تجربه کردم؛ در واقع انگار طلاقشون راه نجات من بود، یادمه اون سال کنکورم داشتم و خب خداروشکر تونستم بدون دعوا و درگیری درسامون بخونم».

«بیشترین چالش رو ما زمانی داشتیم که مامان و بابام با هم بودن و همش دعوا و داد و بیداد داشتن و بعد از طلاق آرامش بیشتری داشتیم انگار زندگی به دو بخش قبل و بعد از طلاق مامان بابام تقسیم شده که بعدش زندگی آروم تری داشتم.»

«شاید باور کردن این مسئله سخت باشه ولی من از طلاقشون خوشحال بودم چون دیگه دعوها تموم شده بود و انقدر سر هر موضوعی ما جر و بحث نداشتیم. دیگه اون تنش‌ها نبود که بخواد اذیتمون کنه.»

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش والدین در سازگاری فرزندان با طلاق صورت گرفت. در این پژوهش ۳ مضمون اصلی و ۱۶ مضمون فرعی به دست آمد. مضمون اصلی "ایفای نقش کارآمد والدینی"، شامل همکاری والدین در زمینه رشد و پرورش فرزندان بعد از جدایی و کمک به آنها برای سازگاری با طلاق است. همچنین مشارکت کنندگان مطرح کردند که کاهش تعارضات والدین بعد از طلاق نقش معناداری در سازگاری آنها داشت. نتایج پژوهش با یافته‌های کووا و همکاران (۲۰۲۲)، ون دی جک و همکاران (۲۰۲۲) و هس^۱ (۲۰۲۲) همسو است که نشان دادند مشارکت و تعامل والدین برای تربیت فرزند در سازگاری آنها با طلاق والدینشان، تأثیرات مطلوبی داشت و تعارضات والدینی و عدم همکاری والدین بعد از طلاق در سازگاری و رشد فرزندان تأثیرات نامطلوبی داشت و رفتار اجتماعی و نوع دوستی را در فرزندان کاهش و تعارض با همسالان را افزایش داد. مطالعه رجان و همکاران (۲۰۲۲)، استین باچ و همکاران (۲۰۲۱)، هررو و همکاران (۲۰۲۰)، سورک (۲۰۱۹) و آماروس و همکاران (۲۰۱۷) همخوان با یافته‌های پژوهش حاضر است که به بررسی نقش نامطلوب تعارضات والدین بعد از جدایی در سازگاری فرزندان اشاره کردند و خاطر نشان کردند که فرزندان که بیشتر درگیر تعارضات والدین بعد از جدایی بودند، سلامت روان کمتر و آسیب‌های روانی بیشتری همانند افسردگی و اضطراب را تجربه کردند.

¹Hess, S.

مضمون اصلی "تغییر نگرش والدین نسبت به طلاق"، به پذیرش و سازگاری والدین با طلاق خودشان اشاره داشت. پذیرش طلاق از سوی والدین و هدفمندی زندگی آنها نقش به سزایی در سازگاری فرزندانیشان با طلاق داشت. نتایج پژوهش اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۱) در زمینه عزت نفس خانوادگی و هدفمندی والدین بعد از جدایی نیز همسو با پژوهش حاضر است. همچنین پژوهش عبیدی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که سازگاری والدین با طلاق در سازگاری فرزندانیشان موثر بود که همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

مضمون اصلی "تدارک محیط بدون تنش بعد از طلاق" نشان داد افرادی که والدینشان تعارضات زیادی را قبل از طلاق تجربه کردند و از احتمال وقوع این پدیده آگاهی داشتند و حتی طلاق را راه‌هایی از تعارضات و کشمکش‌های طاقت‌فرسا در خانواده پنداشتند، پذیرش و سازگاری با طلاق والدین را راحت‌تر گزارش دادند. همچنین نتایج پژوهش میکوچی^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، هاشمی و همایونی^۲ (۲۰۱۷) نشان داد آگاهی از احتمال وقوع طلاق والدین به دلیل تعارضات بسیار در خانواده در سازگاری فرزندان مؤثر است و افرادی که والدینشان درگیر طلاق عاطفی بودند و به مرحله طلاق قانونی نرسیدند، مشکلات سازگاری، رفتاری و عاطفی بیشتری را گزارش کردند که همخوان با نتایج پژوهش حاضر است. بعضی از مشارکت‌کنندگان به دلیل تنش‌های زیاد موجود در خانواده قبل از طلاق به این مسئله اشاره کردند که طلاق موجب کاهش تنش‌ها و تعارضات والدین شد و آرامش و ثبات بیشتری برای فرزندان به ارمغان آورد.

در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت، طلاق با تعارضات بالایی می‌تواند آشفتگی هیجانی طولانی‌مدتی را هم برای زوجین و هم برای فرزندان ایجاد کند و تعارضات والدین به عنوان عامل استرس‌زا در سازگاری فرزندان است و عدم وجود تعارضات والدینی بعد از طلاق والدین و همکاری و مشارکت آنها در فرزندپروری و توجه به سلامت جسمی، روانی و اخلاقی فرزندان می‌تواند موجب سازگاری بهتر و سریع‌تر آنها با شرایط جدید شود و این نگاه را ایجاد کند که با وجود طلاق و جدایی والدینشان می‌توانند رشد و پیشرفت داشته باشند و از جامعه طرد نشوند. از آنجایی که ترس از طردشدگی از دغدغه‌های مهم افراد بعد از جدایی والدینشان است و در

1. Mikucki-Enyart, S. L.

2. Hashemi, L., & Homayuni, H.

کاهش عزت نفس آن‌ها نقش دارد؛ دردسترس بودن والدین و عدم طردشدن از سوی آن‌ها می‌تواند از ایجاد ادراک تنهایی در فرزندان طلاق ممانعت کند.

با پدیده طلاق، زوجین از نقش همسری خود خارج می‌شوند؛ اما نقش والدگری آن‌ها به پایان نمی‌رسد. والدینی که طلاق گرفته‌اند لازم است برای رشد و پرورش فرزندان خود رابطه مطلوبی با یکدیگر داشته باشند؛ به نظر می‌رسد احترام و همکاری متقابل والدین بعد از طلاق در جهت منافع فرزندان، موجب شد که آن‌ها احساس طردشدگی کمتری را تجربه کنند و عزت نفس و احساس ارزشمندی بیشتری داشته باشند که این امر در بهبود کیفیت رابطه فرزندان با والدینشان و سازگاری آن‌ها اثرگذار است. ارتباط دوستانه و مطلوب فرزندان با والدین بعد از جدایی، در تجربه هیجانات مثبت فرزندان مؤثر است.

همچنین به نظر می‌رسد تعارضات والدین بعد از جدایی به عنوان مانعی در سازگاری فرزندان است و به آن‌ها اجازه نمی‌دهد با شرایط جدید خود کنار بیایند درحالی طلاق والدین اگر موجب کاهش تعارضات و تنش‌ها شود تاثیر مثبتی در تجربه آرامش فرزندان داشته و به سازگاری آن‌ها کمک کرده است. در حقیقت فرزندان به کاهش فراوانی تعارض والدین از طریق طلاق امیدوار بودند و به عبارتی به پیامدهای مثبت طلاق می‌اندیشیدند. جدایی والدین از نگاه فرزندان طلاق، در کاهش میزان تعارضات و اختلافات والدین در خانواده مؤثر است؛ بنابراین پدیده طلاق و دورشدن فرزندان از فضای کشمکش‌های والدین می‌تواند در افزایش سازگاری آن‌ها اثرگذار باشد.

برخورد معقول والدین با طلاقشان و پذیرش این مسئله موجب شد که آن‌ها توجه و زمان بیشتری به فرزندانشان اختصاص دهند و در فرایند سازگاری همراه و تسهیلگر آن‌ها باشند. همچنین سازگاری فرزندان با نحوه سازگاری والدینشان ارتباط مستقیمی داشت؛ بدین صورت که هر چه قدر والدین زمان طولانی‌تری را بعد از جدایی با خلق پایین، احساسات خشم و تنهایی سپری کنند، فرایند سازگاری فرزندانشان با شرایط جدید، دشوارتر طی شده است. درنهایت تعامل والدین پس از طلاق بر مبنای ایفای نقشی کارآمد همراه با نگرشی منطقی، زمینه‌ساز آمادگی اعضای خانواده و به دنبال آن تسهیل سازگاری فرزندان در مسیر گذار قبل و بعد از طلاق والدینی است که این مسئله اهمیت نقش والدین را در سازگاری فرزندان با طلاق خاطر نشان می‌سازد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این مسئله اشاره کرد که مشارکت کنندگان پژوهش را فقط جنسیت موث و در سنین جوانی تشکیل دادند که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در سنین نوجوانی و کودکی و در جنسیت مذکر نیز انجام گردد. همچنین مصاحبه‌های پژوهش حاضر به صورت غیر حضوری و مجازی انجام شد.

قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از همه مشارکت کنندگان پژوهش که در جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها همکاری نموده‌اند، اعلام می‌دارند.

منابع

- اسمعیلی، معصومه؛ طاهری جمعالی، جیران؛ قاسمی نیائی، فاطمه و حقانی زمیدانی، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی راهبردهای اثربخش نوجوانان در برخورد با سوگ ناشی از طلاق والدین. *رویش‌شناسی*. ۱۱(۴): ۹۹-۱۰۶.
<http://frooyesh.ir/article-1-3243-fa.html>
- اسانی، رزیتا؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی زاده، مریم و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۰(۱): ۱۵-۲۶.
http://cpap.shahed.ac.ir/article_2658.html
- بلالی، طیبه؛ اعتمادی، عذرا و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۰). بررسی رابطه عوامل روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۳(۱۱): ۲۹-۵۳.
<https://doi.org/10.22054/qccpc.2011.5900>
- حسینی یزدی، سیده عاطفه؛ مشهدی، علی؛ کیمیایی، سید علی و عاصمی، زهرا (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر مشکلات برونی‌سازی شده. *انجمن علمی روان‌شناسی خانواده ایران*، ۲(۱): ۳-۱۴.
<https://www.sid.ir/paper/521505/fa>
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۷). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نشر نگاه دانش.
- زمانی زارچی، محمدصادق؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ اژه‌ای، جواد؛ حسین‌زاده اسکویی، علی و صمدی کاشان، سحر (۱۳۹۷). *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۲(۱): ۲۴-۳۶.
https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_8617.html
- عبدی، محمدرضا؛ تقی‌پور، ابراهیم و نظری، علی‌محمد (۱۳۹۲). تأثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، ۹(۳): ۳۴۴-۳۵۸.
https://jfr.sbu.ac.ir/article_97201.html
- عزیزی، جابر (۱۴۰۰). بررسی تأثیر حسن خلق بر استحکام خانواده. *نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی فرهنگی*: تهران. EPSCONF09_125
- عیوضخانی، زهرا؛ سهرابی ملایوسف، اسرا و جعفری کلپیر، فاطمه (۱۴۰۰). مشکلات عاطفی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان تک‌والد طلاق در مدارس از دیدگاه دبیران دوره اول متوسطه، هفتمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی: دانشگاه تهران. ESPCONF07_105
- قره‌داغی، علی و مبینی کشته، فریبا (۱۳۹۹). مقایسه شفافیت خودپنداره، نقش جنسیتی و بلوغ عاطفی در فرزندان با و بدون تجربه طلاق والدین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۲): ۲۶۰-۲۳۱.
 Doi:10.22054/qccpc.2020.49446.2302

کریمی، محسن؛ محمدی، صمد؛ غضنفری، مریم و علی کرمی، مریم (۱۴۰۰). بررسی تأثیر طلاق والدین بر تحصیل و تربیت دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم انسانی: بروکسل.

EPHCONF01_164

گرچین پور، فاطمه؛ علی‌پور، غلامرضا؛ جلوه، مازیار و عبدی، منصور (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر حرمت خود و انعطاف‌پذیری کنشی نوجوانان طلاق. *خانواده‌درمانیکاربردی*، ۱(۲): ۲۲-۱.

<https://doi.org/10.22034/aftj.2020.113723>

نریمانی، محمد؛ عباسی، مسلم؛ ابوالقاسمی، عباس و احدی، بتول (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش پذیرش/تعهد با آموزش تنظیم هیجان بر سازگاری دانش‌آموزان دارای اختلال ریاضی. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۲(۴):

۱۷۶-۱۵۴. JLD-2-4-92-5-9

یاریگروش، محیا (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۵۰): ۲۷۴-۲۵۳.

doi: 10.22054/qccpc.2022.62748.2761

Afifi, T. D., Huber, F. N., & Ohs, J. (2006). Parents' and adolescents' communication with each other about divorce-related stressors and its impact on their ability to cope positively with the divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 45(1-2), 1-30. https://doi.org/10.1300/J087v45n01_01

Albanese, P. (2020). *Children in Canada Today* (3rd ed). Oxford University Press.

Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health - a meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*, 119, 107-115. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011>

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.

Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N. (2022). The Divorce Process and Child Adaptation Trajectory Typology (DPCATT) Model: The Shaping Role of Predivorce and Postdivorce Interparental Conflict. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 1-29. <https://doi.org/10.1007/s10567-022-00379-3>

Crespin-Boucaud, J., & Hotte, R. (2021). Parental divorces and children's educational outcomes in Senegal. *World Development*, 145, 105483. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105483>

Dahlia, & Tartilla, N. (2020). Self-esteem and Coping Strategy among Adolescents as Victims of Parental Divorce. *In Proceedings of the 1st International Conference on Psychology-ICPsy*, 19-28.

Dunlop, R. (2022). *Parental divorce at adolescence: a longitudinal study* (Doctoral dissertation, Macquarie University). <https://hdl.handle.net/10.25949/19427264.v1>

Du Plooy, K., & Van Rensburg, E. (2015). Young adults' perception of coping with parental divorce: A retrospective study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), 490-512. <https://doi.org/10.1080/10502556.2015.1058661>

Garriga, A., & Pennoni, F. (2020). The causal effects of parental divorce and parental temporary separation on children's cognitive abilities and psychological well-being according to parental relationship quality. *Social Indicators Research*, 1-25. <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02428-2>

- Henson, C., Truchot, D., &Canevello, A. (2021). What promotes post traumatic growth? A systematic review. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 5(4), 100195. <https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2020.100195>
- Karela, C., &Petrogiannis, K. (2020). Young children’s emotional well-being after parental divorce: discrepancies between “resilient” and “vulnerable” children. *Journal of educational and developmental psychology*, 10(1), 1-18. <http://doi.org/10.5539/jedp.v10n1p18>
- O’Hara, K. L., Rhodes, C. A., Wolchik, S. A., Sandler, I. N., & Yun-Tein, J. (2021). Longitudinal effects of postdivorce interparental conflict on children’s mental health problems through fear of abandonment: Does parenting quality play a buffering role?. *Child development*, 92(4)Practice, 14, 311–325. <https://doi.org/10.1111/cdev.13539>
- Parker, G., Durante, K. M., Hill, S. E., & Haselton, M. G. (2022). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology*, 43, 300-306.
- Potts, L. (2022). *Siblings Improve Adult Psychosocial Health of Individuals who Experienced Parental Divorce in Childhood* (Doctoral dissertation). <https://hdl.handle.net/2104/11868>
- Salvatore, J. E., Aggen, S. H., & Kendler, K. S. (2022). Role of parental divorce and discord in the intergenerational transmission of alcohol use disorder. *Drug and Alcohol Dependence*, 234, 109404. <https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2022.109404>
- Sumari, M., R. Subramaniam, S. D., & Md Khalid, N. (2020). Coping with parental divorce: A study of adolescents in a collectivist culture of Malaysia. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(3), 186-205. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1679595>
- Tullius, J. M., De Kroon, M. L., Almansa, J., &Reijneveld, S. A. (2022). Adolescents’ mental health problems increase after parental divorce, not before, and persist until adulthood: a longitudinal TRAILS study. *European child & adolescent psychiatry*, 31(6), 969-978. <https://doi.org/10.1007/s00787-020-01715-0>
- Wibisono, N. B., &Napitupulu, S. S. (2022). The Moderating Role of Timespan since Parental Divorce on the Relationship between Self Compassion and Anxiety. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*. 6(3), 145-152. <https://www.rsisinternational.org/virtual-library/papers/the-moderating-role-of-timespan-since-parental-divorce-on-the-relationship-between-self-compassion-and-anxiety/>

